

### یکی برای بچه‌ها، یکی برای خنده

سینما این روزها با دو اثر تازه، دو گروه متفاوت از مخاطبان را هدف گرفته است: «سفینه نجات» با داستانی ماجراجویانه و فانتزی برای کودکان ساخته شده و «تاپلئون در باغ زردآلو» با حضور سعید آقاخانی و امیر جعفری، یک کمدی با محوریت رؤیای سرتقی بزرگ است که قرار است مخاطب را بخنداند.

دو فیلم سینمایی و انیمیشن به سینماها آمدند. «تاپلئون در باغ زردآلو» به کارگردانی حامد محمدی‌روزبهانی و با بازی سعید آقاخانی و امیر جعفری، داستانی کمدی درباره دو زندانی است که پس از آزادی، رؤیای اجرای یک سرقَت بزرگ را در سر می‌پیروانند.«سفینه نجات» نیز انیمیشنی به کارگردانی هادی محمدیان است. در خلاصه داستان این اثر آمده است: «در سیاره‌ای دوردست، دختری به نام دریا منتظر قهرمانی افسانه‌ای است تا آنها را از دست اَبَدک‌ها نجات دهد. هِرمَازان، هانی، پسرِبچه‌امی که رؤیای قهرمان شدن دارد، به اشتباه و به جای یک میمون قضاوُرد، سر از آسمان این سیاره درمی‌آورد.»این دو اثر از روز گذشته به روی پرده‌های سینما رفتند و یک روز در مجموع توانستند ۱۲ هزار ۶۶۷ مخاطب را به سینما بکشانند که از این بین ۷ هزار و ۶۶۷ مخاطب برای دین انیمیشن به سینما رفتند. پیش از این نیز آثاری چون سقف اثر ابراهیم امینی با محوریت جنگ ۱۲ روزه در روزهای آخر مرداد به نمایش در آمد.

### همه در صف پلتفرم‌سازی، شما هم بفرمایید

این روزها همه در صف پلتفرم‌سازی ایستاده‌اند؛ از نهادهای رسانه‌ای گرفته تا مجموعه‌هایی که می‌خواهند سهمی از اقتصاد جدید محتوا داشته باشند. اما سؤال اینجاست: پلتفرم‌سازی واقعا راجحل است یا فقط موبی- تازه برای تکرار تجربه‌های قبلی؟ به گزارش فارس، «کنکل» این بار از فیلمو به نمایش درمی‌آید. این سریال که سال گذشته توسط پلتفرم استارنت تولید شده بود، پس از چندین بار وقفه در تولید و نمایش، در نهایت با تعلیلی این پلتفرم باتلکفیص ماند و مخاطبانش را در نیمه راه تنها گذاشت. حالا پس از حدود یک سال، فیلمو اکران این اثر را برعهده گرفته است؛ اتفاقی که البته برای مخاطبانی که تا نیمه سریال را دیده‌اند چندان خوشایند نیست؛ چرا که حالا باید دوباره از ابتدا و با خرید اشتراک، به تماشای آن بنشینند.استارنت تنها پلتفرمی نبود که به این سرنوشت دچار شد. پیش از آن نیز نمونه‌هایی مانند تماشائونه این مسیر را طی کرده بودند. با این حال، روزبه‌روز به تعداد پلتفرم‌ها در قالب‌های مختلف افزوده می‌شود؛ پلتفرم‌هایی که گاهی مدل درآمدزایی‌شان به یکدیگر شباهت دارد؛ به نوعی «بخت‌خواری» از آثار تولیدشده توسط سایر پلتفرم‌ها و استفاده از آثار خارجی که هزینه تولیدشان برای این پلتفرم‌ها وجود ندارد، اما می‌تواند درآمد قابل توجهی به همراه داشته باشد؛ چرا که مخاطب برای تماشای این آثار باید اشتراک بخرد، اینترنت مصرف کند و در نهایت پلتفرم نیز از محل تبلیغات و جذب مخاطب درآمد خود را به دست می‌آورد.این روزها نیز اخبار متعددی از آغاز به کار برخی پلتفرم‌ها به گوش می‌رسد: پلتفرم‌هایی که تلاش دارند با تکیه بر سریال‌هایی با حضور بازیگران مطرح، در کوتاه‌ترین زمان جای خود را میان پلتفرم‌های شناخته‌شده باز کنند. پلتفرم‌هایی چون «آپرا» نیز از همین دسته هستند.البته در کنار این پلتفرم‌ها، خبرهایی نیز از ورود شرکت مخابرات ایران، برخی بانک‌ها و شرکت‌های صنعتی به این حوزه و حرکت آنها به سمت راه‌اندازی پلتفرم‌های نمایش خانگی به گوش می‌رسد.

### نمایشگاه کتاب تاریخ معاصر تمدید شد

یک تجربه تاریک؛ نمایشگاه کتاب تاریخ معاصر در بخش حضوری و مجازی تمدید شد. به گزارش تسنیم، با استقبال مخاطبان، نمایشگاه تخصصی کتب تاریخ معاصر «یک تجربه تاریک» در دو بخش حضوری و مجازی تمدید شد. بخش حضوری نمایشگاه در باغ کتاب تهران تا روز شنبه، ۷ شهریورماه و بخش مجازی نمایشگاه تا روز دوشنبه، ۹ شهریورماه ۱۴۰۵ تمدید شد تا علاقه‌مندان به تاریخ معاصر ایران فرصت بیشتری برای بازدید و تهیه آثار این رویداد داشته باشند. این نمایشگاه با محوریت باورخوانی و واکوی رویدادهای مهم تاریخ معاصر ایران، مجموعه‌ای از کتابها و منابع تخصصی این حوزه را در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است؛ آثاری که می‌توانند برای پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعه تاریخ، منابعی ارزشمند برای شناخت و بررسی دقیق‌تر تحولات تاریخی باشند. در بخش حضوری نمایشگاه، علاقه‌مندان می‌توانند تا شنبه ۷ شهریورماه با مراجعه به مجموعه باغ کتاب تهران از نمایشگاه بازدید کنند و آثار مدنظر خود را تهیه کنند. همچنین علاقه‌مندان تا دوشنبه، ۹ شهریورماه فرصت دارند از طریق سامانه بازار کتاب به نشانی WWW.BAZARKEFAB.IR از بخش مجازی این نمایشگاه بازدید کرده و آثار مورد نظر خود را تهیه کنند.

## { فرهنگ و هنر }

#### سرنوشت متفاوت ستاره‌ها؛ از بازیگری تا مهاجرت و اینفلوئنسری

# روایت تغییر مسیر بازیگران ایرانی



**کا بهوش بختیاری؛ پیشینه‌سازی و سرمایه شهرت در تجارت تبلیغاتی و اینستاگرام**

بهوش بختیاری، که با بازی در سریال‌های طنز پر مخاطبی همچون «شب‌های برره»، «خانه به دوش» و «چهارخونه» و ... به محبوبیت بالایی دست یافته بود و بعدها با بازی در «هن» نامزد سیمرخ بلورین شد، یکی از پیشگامان و بهره‌بردارِ تجاری از فضای مجازی در میان بازیگران ایرانی است. بختیاری با عبور از رکوردهای دنبال‌کننده در اینستاگرام، محوریت فعالیت حرفه‌ای خود را از پرده سینما و قاب تلویزیون به سمت «تبلیغات آنبوه»، «مدرسی و رکشابه‌های موفقیت»، «سفیری برندهای تجاری و طلا» و «بیوتی‌لاگری» تغییر داد. اگرچه حضور مداوم او در ویدیوهای تبلیغاتی متعددی با انتقاداتی درباره افت ارزش کارهای هنری‌اش همراه بوده، اما عملکرد او الگویی روشن از به‌کارگیری شهرت تلویزیونی برای کسب درآمد مستقیم، مداوم و مستقل از بدنه سینما در بستر اقتصاد دیجیتال است.

**کا استغفای حرفه‌ای و چرخش به سمت فعالیت‌های بشر دوستانه و ادبی**
گروه دیگری از بازیگران ایرانی، تغییر مسیر زندگی خود را نه در مهاجرت و نه در تجاری‌سازی اینستاگرامی، بلکه در «خروج اختیاری از سینما» و ورود به عرصه نیکوکاری، فعالیت‌های بشردوستانه و پژوهش‌های ادبی تعریف کرده‌اند. کاتوین ریاحی: کناره‌گیری در اوج و تأسیس بنیاد نیکوکاری کمک

کاتوین ریاحی، متولد ۱۰ دی ۱۳۴۰ در تهران، که با ایفای نقش‌های درخشانی چون میهن مشرقی در فیلم «شام آخر» و به‌ویژه نقش تاریخ‌ساز زیلیخا در سریال «یوسف پیامبر» به اوج محبوبیت، شهرت و اعتبار هنری رسیده بود، در سال ۱۳۸۸ و همزمان با پایان پخش سریال یوسف پیامبر، تصمیم ناگهانی خود مبنی بر خداحافظی ادبی از دنیای بازیگری را اعلام کرد. علت اصلی این کناره‌گیری، تغییر بنیادین در اولویت‌های زیستی و فکری ریاحی بود. او با هجرت از تهران به جزیره کیش، تمام تمرکز، سرمایه و توان خود را معطوف به تأسیس و مدیریت بنیاد نیکوکاری «کمک مهر کاتوین» (بنیاد کمک) کرد. این بنیاد به‌طور تخصصی بر رفاهیت از حمایت از کودکان ناشنایوب نیازمند و تأمین هزینه های سنگین جراحی کاشت حازونی گوش تمرکز دارد. ریاحی اعلام کرد که زیست جدید او بر پایه نوسندگی کتاب و فعالیت‌های بشردوستانه استوار است و کمک به درمان کودکان ناشنوا، معنایی به مراتب بالاتر از بازیگری به زندگی او بخشیده است. اقدام کاتوین ریاحی الگویی از استغفای حرفه‌ای خودخواسته در اوج شهرت برای پیگیری آرمان‌های والای انسانی در جامعه ایران به شمار می‌رود.

**کا شیلا خداداد: اولویت کانون خانواده و ورود به عرصه ترجمه ادبی**

شیلا خداداد، که با بازی در سریال «مسافری از هند» و فیلم‌های سینمایی متعدد به چهره‌ای محبوب تبدیل شده بود، پس از ازدواج با فرزین سرکارات (زینک) و جراح فک (و صورت)، روند کم‌کاری اختیاری و کناره‌گیری تدریجی از بازیگری را در پیش گرفت. خداداد با اولویت دادن به تربیت فرزندانش، اعلام کرد که دیگر تبلیغ به حضور پرچم در پروژه‌های تصویری ندارد و به جای آن، فعالیت حرفه‌ای خود را به حوزه ترجمه کتاب‌های کودکان و ادبیات داستانی تغییر داده است. او در این مدت چندین جلد کتاب ترجمه کرده است.

**کا مریم کاویانی؛ بازگشت به ریشه‌های تخصصی و طبابت**

مریم کاویانی، که ورودش به دنیای تصویر به صورت اتفاقی و پس از تحصیل در رشته پرستاری رخ داد، با بازی در سریال‌های پر مخاطبی مانند «او یک فرشته بود» و «فاصله‌ها» به شهرت رسید. کاویانی با مرور زمان و مواجهه با افت کیفیت پیشنهادات بازیگری و بی‌ثباتی درآمدی در سینما، تصمیم گرفت فعالیت بازیگری خود را بسیار محدود کند.

او به جای ورود به جنجال‌های فضای مجازی، ترجیح داد به حرفه اولیه خود یعنی پرستاری و خدمات درمانی و سلامت بازگردد.تجربه کاویانی نمونه‌ای ارزشمند از پناه بردن هنرمند به یک «تخصص پیشین» برای حفظ امنیت اقتصادی و کرامت شغلی در روزهای رکود حرفه‌ای است. او همچنین راه‌های درس‌پال اینستاگرام‌بد بالاگرا حضور پیدا کرده است.

در چنین شرایطی، شبکه‌های اجتماعی به ابزاری برای حفظ ارتباط با مخاطب و استمرار حضور عمومی تبدیل می‌شوند؛ اما این حضور رسانه‌ای الزاما معادل تداوم حرفه بازیگری نیست. تجربه صالحی در واقع نشان می‌دهد که میان «مشهور ماندن» و «بازنگیر ماندن» فاصله‌ای جدی وجود دارد و مهاجرت می‌تواند این فاصله را برای چهره‌هایی که امکان ورود به ساختار حرفه‌ای جدید را پیدا نمی‌کنند، بیشتر کند. او نیز به جبری‌گری در برنامه «عشق ابدی» مشغول شد. در مجموع، تجربه این سه بازیگر را نمی‌توان در یک الگوی واحد خلاصه کرد. ریحانه پارسا بیشتر به سمت بازتعریف هویت رسانه‌ای و هنری خود حرکت کرد، سحر قریشی کوشید فعالیت تصویری خود را در خارج از ایران ادامه دهد و پرستو صالحی بیش از همه بر حفظ ارتباط رسانه‌ای با مخاطبان فارسی‌زبان تکیه کرد. تفاوت این مسیرها نشان می‌دهد که مهاجرت برای بازیگران، نه یک نقطه پایان مشخص، بلکه آغاز مرحله‌ای پیچیده از بازسازی سرمایه حرفه‌ای است؛ مرحله‌ای که موفقیت در آن به توانایی تبدیل شهرت قبلی به شبکه، مهارت و جایگاه تازه وابسته است.

**کا چرخش‌های درون‌مرزی؛ ورود به اقتصاد دیجیتال، بیوتی‌لاگری و برندینگ**
تغییر مسیر بازیگران ایرانی همواره متکی بر جابه‌جایی جغرافیایی نبوده است؛ بلکه گروهی از هنرمندان در داخل کشور، با درک تحولات ناشی از عصر رسانه‌های دیجیتال و افت مرجعیت رسانه‌های سنتی، مسیر کاری خود را از بازیگری محض به سمت اقتصاد توجه، بیوتی‌لاگری و مدلینگ تغییر دادند.

**کا بهاره رهنما؛ گذار از سینما به عرصه اینفلوئنسری و بیوتی‌لاگری**
بهاره رهنما، بازیگر پرکار و شناخته‌شده سینما، تلویزیون و تئاتر ایران، یکی از بارزترین نمونه‌های تغییر ریل حرفه‌ای درون‌مرزی محسوب می‌شود. رهنما که دارای سوابق طولانی بازیگری، نویسندگی و کارگردانی تئاتر بود، با همفکری شدن شبکه اجتماعی اینستاگرام، متوجه پتانسیل تجاری فوق‌العاده این پلتفرم شد. او با جذب بیش از ۲۶ میلیون دنبال‌کننده، پرسونای عمومی خود را از یک «بازیگر صرف» به یک «بیوتی‌لاگر، استایل‌لاگر و سفیر برندهای تجاری» تبدیل کرد. رهنما به معرفی محصولات آرایشی، برندهای ماتو و کلینیک‌های زیبایی پرداخت و با اخذ ترندهای سنگین برای استوری‌ها و تولید محتوای تبلیغاتی، به یکی از گران‌ترین و پربازدهترین اینفلوئنسرهای حوزه زیبایی در ایران تبدیل شد. اگرچه این چرخش حرفه‌ای با انتقادات تند بخشی از مردم مواجه شد که آن را «تنزل مقام هنری به سلوچ زرد تجاری» می‌دانند، اما از منظر اقتصاد رسانه، نمایانگر هوشمندی در درک تغییر الگوی درآمدی و انتقال سرمایه نمادین از دستمزدهای ساختاری سینما به درآمد مستقیم از «اقتصاد توجه» در فضای دیجیتال بود.

**کا محسن افشانی؛ حاشیه‌سازی مکرر و ابتدال شهرت در اقتصاد توجه**
محسن افشانی، که با بازی در سریال‌های مختلف تلویزیونی و مجری‌گری تلویزیونی به شهرت رسید، یکی از رادیکال‌ترین نمونه‌های تغییر مسیر کاری از بازیگری به «حاشیه‌سازی دیجیتال» است. او با درک مکانیزم‌های الگوریتمی اینستاگرام، تمرکز خود را کاملاً از فعالیت‌های هنری به سمت تولید جنجال‌های بی‌دربی، نمایش ثروت، در گیری‌های لفظی مجازی و تبلیغ سایت‌های شرط‌بندی معطوف کرد. الگوی رفتاری افشانی نشان داد چگونه یک هنرمند می‌تواند سرمایه نمادین ناشی از قاب تلویزیون را به کاسبی در حواشی فضای مجازی تبدیل کند؛ مسافتی که در نهایت به برخوردهای قضایی، بازداشت و انزوا ی کامل او از بدنه رسمی هنر انجامید. نیشا فیضی: تثبیت مدلینگ و فعالیت‌های تجاری– زیبایی نیشا فیضی، که با بازی در فیلم «شوریده» نامزد سیمرخ بلورین شد و با کمدی‌های پر فروش چون «خراچی‌ها» به چهره‌ای شناخته‌شده تبدیل شد، نمونه دیگری از تغییر ریل حرفه‌ای به سمت بیوتی‌لاگری و مدلینگ تجاری است.

فیضی با تأسیس کلینیک زیبایی و همکاری مداوم با برندهای آرایشی و پوشاک، پرسونای خود را از یک بازیگر سینما به یک اینفلوئنسر و مدلساز حوزه زیبایی تغییر داد. او با اتکا به حضور فعال در شبکه اجتماعی اینستاگرام، توانست درآمد ناشی از تبلیغات تجاری را جایگزین دستمزدهای متغیر سینمایی کند.

«استخراج» تلاش کرده است از مسیر بازیگری خارج نشود. اما همیشه هم همه چیز آن‌طور که انتظار می‌رود پیش نمی‌رود. بازیگران دیگری نیز مسیرهای متفاوتی را برگزیدند؛ صدف طاهریان با خروج از ایران به عرصه مد و مدلینگ در ترکیه و امارات پیوست، رابعه اسکویی برای مدتی کوتاه به شبکه چم در ترکیه پیوست اما بعدها به کشور بازگشت، و مهناز افشار با اقامت در آلمان تلاش کرد از طریق ویزای کاری هنری و بازی در تئاترهای خارج از کشور، حیات حرفه‌ای خود را حفظ کند. اما نهایتاً شاید مطرح‌ترین پروژه او در در خارج از کشور برنامه «زن روز» بود. ریحانه پارسا، سحر قریشی و پرستو صالحی نیز هر یک به شکلی متفاوت، تجربه فاصله گرفتن از فضای رسمی بازیگری در ایران را پشت سر گذاشته‌اند؛ سه مسیر که اگرچه نقطه آغاز مشترک حضور در سینما و تلویزیون ایران بود، اما در ادامه به انتخاب‌های حرفه‌ای و شخصی متفاوتی منتهی شد.

**کا ریحانه پارسا؛ از بازیگری به بازتعریف هویت هنری در خارج از ایران**

ریحانه پارسا که با بازی در سریال «پدر» به شهرت رسید، پس از خروج از ایران تلاش کرد فعالیت خود را در خارج از کشور ادامه دهد. او در ابتدا با حضور در پروژه‌های تصویری و رسانه‌ای و سپس با فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، بیش از آنکه صرفاً به دنبال تکرار موقعیت پیشین خود به عنوان بازیگر باشد، وارد مرحله‌ای از بازتعریف پرسونای عمومی خود شد. تغییر سبک پوشش، حضور پرستو در فضای مجازی و تلاش برای فعالیت در پروژه‌های خارج از ایران، بخشی از این تغییر مسیر بود. با این حال، مسیر پارسا نشان می‌دهد که انتقال شهرت از یک بازار فرهنگی به بازار دیگر، الزاماً به معنای تکرار موقعیت‌های گذشته نیست. او در ایران با یک نقش تلویزیونی به چهره‌ای شناخته‌شده تبدیل شده بود، اما پس از مهاجرت با ساختار متفاوتی از صنعت سرگرمی، مخاطبان جدید و محدودیت‌های تازه‌ای مواجه شد. به همین دلیل، بخش قابل توجهی از حضور او در سایه‌های اخیر از آن‌که به تثبیت جایگاهش در یک صنعت سینمایی مشخص منجر شود، حول ساختن یک هویت رسانه‌ای تازه شکل گرفته است؛ هویتی که در آن شبکه‌های اجتماعی و تصویر عمومی، نقشی پررنگ‌تر از کارنامه بازیگری دارند.

**کا سحر قریشی؛ تغییر جغرافیای فعالیت و فاصله گرفتن از سینمای ایران**

سحر قریشی نیز پس از سال‌ها حضور در سینما و تلویزیون ایران، در مقطعی از کشور خارج شد و مسیر فعالیت حرفه‌ای خود را در خارج از ایران دنبال کرد. او که پیش از مهاجرت یکی از چهره‌های شناخته‌شده سینمای تجاری ایران محسوب می‌شد، پس از خروج، در پروژه‌های تصویری خارج از کشور حضور پیدا کرد و تلاش کرد همچنان ارتباط خود را با فضای سرگرمی و مخاطبان فارسی‌زبان حفظ کند. تجربه قریشی از این منظر قابل توجه است که نشان می‌دهد شهرت داخلی، حتی اگر گسترده باشد، برای تثبیت جایگاه در یک بازار جدید به تنهایی کافی نیست. بازیگری که سال‌ها سوئد ترک کرد، تسلیمی الگوی استثنایی و بی‌دلیل از انطباق‌پذیری حرفه‌ای ارائه داد. او به جای انزوا، تسلیم شدن یا ورود به مشاغل غیرمرتبط، به سرعت به آموختن زبان سوئدی پرداخت و طی مدت کوتاهی وارد بدنه تئاتر حرفه‌ای این کشور شد. او در سال ۱۳۷۰ نمایش «هدا» را بر اساس اقتباسی از کلاسیک‌های یونان در سوئد کارگردانی کرد و خود در آن به ایفای نقش پرداخت؛ نمایشی که داستان یک زن مهاجر را روایت می‌کرد و با استقبال بی‌نظیر منتقدان سوئدی مواجه شد. تسلیمی سپس آثار بزرگی چون «شب دوازدهم» شکسپیر را روی صحنه برد، به عنوان استاد بازیگری و کارگردان در هیئت هیئت‌مدیره انستیتو فیلم سوئد مسئولیت یافت و عناوین ارزشمندی چون شهروند افتخاری و جایز ملی هنری سوئد را دریافت نمود. تجربه تسلیمی نشان داد که تدوین استراتژی بلندمدت و پذیرش ادغام عمیق فرهنگی می‌تواند به تداوم حیات هنری در بالاترین سطح بین‌المللی بینجامد.

**کا کلینیشته فراهانی، تلاش برای تثبیت در بدنه سینمای جهانی**

در دهه‌های اخیر، بازیگرانی چون گلشنه فراهانی نیز تلاش کردند مسیری را در سینمای بین‌المللی طی کنند. فراهانی پس از خروج از ایران، با ایفای نقش در فیلم‌هایی از سینمای هالیوود و سینمای مستقل فرانسه مانند «تپسون»، حضورش را در خارج از کشور ادامه دهد و بخش مهمی از ارتباطش با مخاطبان از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور شکل گرفت. مسیر صالحی بیش از آنکه نمونه‌ای از فتح یک بازار سینمایی جدید باشد، تصویری از دشواری حفظ یک هویت حرفه‌ای پس از خروج از ساختار تولید داخلی ارائه می‌دهد.

### کودکان منتظر پخش تلویزیونی بچه ز رنگ بودند

مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با اشاره به پخش تلویزیونی انیمیشن «بچه ز رنگ» گفت: پخش تلویزیونی «بچه ز رنگ» فرصت تازه‌ای برای دیدشدن این اثر و ارتباط آن با خانواده‌های ایرانی است. ضمن اینکه خیلی از کودکان هم منتظر پخش این فیلم از تلویزیون بودند.

انیمیشن سینمایی «بچه ز رنگ» محصول مشترک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و گروه هنرپویا به کارگردانی بهنود نکویی، هادی محمدیان و محمود جاد جنتی است و قرار است تا به زودی روی آنتن تلویزیون برود. حامد علاشتی، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در گفتوگویی با اشاره به موفقیت فیلم سینمایی «بچه ز رنگ» در زمان اکران، گفت: «بچه ز رنگ» از ابتدا با هدف ارتباط با مخاطب کودک و نوجوان و خلق یک قهرمان بومی شکل گرفت و خوشبختانه در زمان اکران سینمایی نیز توانست ارتباط بسیار خوبی با مخاطبان برقرار کند. او افزود این فیلم با جذب بیش از ۲ میلیون مخاطب و فروش بیش از ۷۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲، به یکی از موفق‌ترین آثار سینمای کودک تا زمان خود تبدیل شد و این اتفاق نشان داد که اگر برای کودک اثری با کیفیت و متناسب با نیازها و علایق او تولید شود، خانواده‌ها از آن استقبال می‌کنند. علامتی ادامه داد: اهمیت «بچه ز رنگ» صرفاً به آمار فروش و تعداد مخاطبان آن محدود نمی‌شود. این اثر توانست یک شخصیت را در ذهن مخاطب کودک تثبیت کند و همین موضوع باعث شد مسیر توسعه این شخصیت در قالب محصولات فرهنگی، سریال و دیگر قالب‌ها دنبال شود. از این منظر، «بچه ز رنگ» همچنان ظرفیت بالایی برای ارتباط با نسل جدید مخاطبان دارد. مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با اشاره به پخش تلویزیونی «بچه ز رنگ» برای نخستین بار، بیان کرد: مخاطب کودک دائماً در حال تغییر است و هر سال نسل جدیدی به جمع مخاطبان کودک اضافه می‌شود. بنابراین یک اثر موفق کودک می‌تواند در دوره‌های دوسه‌ا مخاطب خود را پیدا کند. پخش تلویزیونی «بچه ز رنگ» نیز فرصت تازه‌ای برای دیدشدن این اثر و ارتباط آن با خانواده‌های ایرانی است. ضمن اینکه خیلی از کودکان هم منتظر پخش این فیلم از تلویزیون بودند. او افزود تلویزیون در این مدت نیز خواهان پخش «بچه ز رنگ» بود و از ادامه داد: نگاه ما این نیست که «بچه ز رنگ» صرفاً یک فیلم سینمایی باشد که اکران شود و پس از آن پروندانش بسته شود. تلاش کردیم این شخصیت در قالب‌های مختلف فرهنگی و رسانه‌ای حضور داشته باشد و بتواند ارتباط خود را با مخاطبان حفظ کند.

### سقف؛ روایت چالش‌های یک خانواده در دل روزهای جنگ

فیلم سینمایی «سقف» به کارگردانی ابراهیم امینی، روایتی فکادگی از روزهای بحرانی جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی است.

به گزارش مهر، فیلم سینمایی «سقف» دومین تجربه ابراهیم امینی در مقام کارگردان است؛ فیلمسازی که پیش از ورود جدی به عرصه کارگردانی، سال‌ها در حوزه فیلم‌نماتوسی فعالیت داشته است. امینی این بار زندگی یک خانواده دنبال می‌کند. همین انتخاب فضای فیلم را از یک روایت صرفاً جنگی فاصله می‌دهد و آن را به یک درام خانوادگی در شرایط بحرانی نزدیک می‌کند. قصه درباره آرش، استاد دانشگاهی میانسال است که در آستانه یک مراسم خانوادگی قرار دارد. شرایط زمانی تغییر می‌کند که خانه او در جریان حملات آسیب می‌بیند و برنامهای که برای عروسی تدارک دیده شده است، تحت تأثیر اتفاقات بیرونی قرار می‌گیرد. پس از این حادثه، آرش به همراه همسرش فریبا و اعضای خانواده همسرش، تهران را ترک می‌کنند. از اینجا، جابه‌جایی خانواده و مواجهه آنها با موقعیت تازه، بخش مهمی از مسیر داستان را شکل می‌دهد. در چنین روایتی، «خانه» تنها یک مکان برای زندگی نیست، آسیب دیدن خانه، خانواده را از فضای آشنایی که در آن احساس امنیت می‌کنند جدا و آنها را وارد شرایطی می‌کند که باید برای ادامه زندگی، تصمیم‌های تازه‌ای بگیرند. امینی برای این روایت از ترکیبی از بازیگران شناخته‌شده استفاده کرده است. سام درخشانی، فریبا نادری، یازن بنفشه‌خواه، کیتی قاسمی، شیرین آقاآشنی، بابک والی و سانیا سالاری از جمله بازیگران این فیلم هستند و حسین رامه، سجاد آوینی و رزا اسکندری نیز در جمع بازیگران آن حضور دارند. فیلمنامه را علی‌محمد حسام‌فر نوشته و امینی نیز در نگارش آن مشارکت کرده است.